



درد گلوله نمی خورد

شماره کامرانی

حسین آونی دده در سال ۱۹۵۴ در شهر استانبول به دنیا آمد. تحصیلاتش را در دبیرستان شهرداری استانبول به پایان برد. از سال ۱۹۷۰ به بعد اشعارش در نشریات مختلف به چاپ رسید و خیلی زود مورد توجه قرار گرفت.

برخی اشعار وی به دو زبان استانبولی و انگلیسی به چاپ رسیده اند.

مجموعه شعرهای حسین آونی دده عبارتند از:

- شاعرها ناراحت نشوند/ ۱۹۷۳

- درد گلوله نمی خورد/ ۱۹۷۶

- من پیش از مرگ/ ۱۹۷۷

- بارشی نیست/ ۱۹۷۸

- چنار تنهای شیرین/ ۱۹۸۳

- مرده‌های ویولن زن/ ۱۹۸۵

- بیژانس، میخ‌های تابوت/ ۱۹۸۸

درد گلوله نمی خورد

آن روز جلوی پایم مین پاشیده بودند
روزی که از زندان گریختم
روزی که بر کاغذ حافظه ام شعر می نوشتم
پرنده‌ها در راه آهن اب می خوردند
وقتی این شعر را می نوشتم
قطار پشت قطار از پیش رویم می گذشت
یک پایم تانک بود، پای دیگرم بابونه
از دوردست‌ها چیزی شبیه آزادی پیدا بود...
قرار بود در «گوز تپه» سوار اولین ترن شوم
قرار بود، اما پول نداشتم
نه چاره ای داشتم، نه امید
شکمم با نان پر بود
نان خشکی که کنار دیوار انداخته بودند

فکر می کردم...

فکر می کردم و مرگ کشیک می داد

گرسنگی کشیک می داد

بی پولی کشیک می داد

مه شبانه به صورتم هجوم آورد

کسی ترانه خوان از کنارم گذشت

کسی هم فحش می داد...

تازه مثل سابق

اگر نه همه، بیشتر این‌ها دختران جوان بی پول اند

که حالا زن‌های زیبای بی زخمی شده اند

به خاطر همین با جیب‌های بی پول به خیابان می روم

بی که زخمی از جنگ بزرگ خورده باشم، نان می خورم

شب‌ها پیراهنم را تکه و پاره می کنم

و روزها دوباره می پوشم، نو مثل سابق

اگر روز عیدی بدقولی کردم فراموش نکنید

- اگر بدقولی کنم درخت چنار می فهمد -

هر وقت به یکی شان تلفن کنم

شماره کوچه‌های بن بست یادم می ماند

اصلاً معنی اعداد را نمی فهمم

و عرابه انسان‌های قدیمی را رها می کنم

شماره گیر تلفن‌های جدید را در ساحل تنهایی رها می کنم...

یک بار دیگر از میان امواجی که مرا پشت سر می گذارند نگاهم کنید

سایه کوچه‌های مست را سنگ می زنم

شما را به خدا مثل سابق تازه رهایم کنید

مثل سابق ترانه‌های تازه خواهم گفت



شماره ۵۷
خرداد ۱۳۸۷